

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال پنجم (۱۳۹۴)، شماره سیزدهم

بررسی اعجاز قرآن کریم از دیدگاه شیخ مفید

محسن جهاندیده^۱

محمدتقی اسماعیل پور^۲

سید محسن موسوی^۳

چکیده

مسأله اعجاز قرآن کریم از مباحث مهم علوم قرآن است که از ابتدای نزول قرآن کریم تاکنون، مورد بحث دانشمندان قرار گرفته است. در این مقاله، تنها بر دیدگاه‌های شیخ مفید درباره اعجاز قرآن کریم تمرکز خواهیم نمود. اهمیت اشاره به دیدگاه شیخ مفید از آن روست که از یک طرف، به صراحت در آثارش، وجه اعجاز قرآن را در «صرفه» می‌داند؛ اما از سوی دیگر، برخی از علما، باور به جنبه‌های اعجاز ادبی یعنی فصاحت و بلاغت را به شیخ مفید نسبت داده‌اند. از آن رو که قول به صرفه، ناظر به اعجازی خارج از متن قرآن است اما فصاحت و بلاغت مربوط به اعجاز درونی قرآن است، ظاهراً نمی‌توان میان این دو نظر، وجه جمعی یافت؛ این تفاوت، باعث شده آرای گوناگونی پیرامون دیدگاه شیخ مفید درباره اعجاز پدید آید. در این مقاله، با کنار هم نهادن سخنان شیخ مفید، به این نتیجه دست یافتیم که وی هم به صرفه باور داشته است و در عین حال، به اعجاز درونی نیز گرایش داشته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، شیخ مفید، اعجاز، صرفه، فصاحت، اخبار غیبی.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر دانشگاه قم (نویسنده مسئول) // Jahandideh116@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه مازندران / M.esmaeilpoor@umz.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه مازندران / Sm.musavi55@gmail.com

۱- مقدمه

خداوند برای هدایت بشر از ابتدای خلقت، پیامبرانی را برگزید و برای اینکه درستی گفتار آنان را به مردم اثبات کند، آنها را با معجزاتی همراه کرد تا گواه راستی گفتار آنان و لازمه قبولی ادعای نبوتشان باشد. از جمله حضرت موسی (ع) که نبوتش با معجزاتی چون ید بیضا و عصا همراه گردید و حضرت عیسی (ع)، به امر خدا مردگان را زنده می‌ساخت و یا بیماری‌های لاعلاج را شفا می‌داد. در این میان، پیامبر اسلام نیز مستثنی نبوده و برای اثبات نبوت خود معجزاتی داشته است. از سویی، چون وی پیامبر خاتم بوده است، ناگزیر از داشتن معجزه‌ای جاوید است. به همین دلیل، خداوند حضرتش را با قرآن همراه کرد.

با نگاه به متن قرآن، پی می‌بریم که قرآن کریم خود واژه «معجزه» را به کار نمی‌برد. از معجزات پیامبران با واژگان دیگر مانند: «آیه»^۱، «بینه»^۲، «برهان»^۳ و «سلطان»^۴ یاد می‌کند. از این رو باید گفت، اصطلاح معجزه در مورد قرآن، بعدها رواج یافته است. آغاز پیدایش بحث پیرامون چگونگی اعجاز قرآن به طور دقیق، روشن نیست؛ اما اعجاز قرآن از نخستین مباحث علوم قرآنی است. با بررسی‌های تاریخی، می‌توان بر آن شد که در نیمه دوم قرن دوم، مبحث اعجاز قرآن آغاز شد. در نخستین مباحث، دانشمندان مسلمان کوشیدند در تقابل با گفته‌های معارضان قرآن، سلامت قرآن از هرگونه تناقض و اختلاف و عظمت قرآن در عبارات و الفاظ، فنون بدیع و استعارات و تشبیهات را نشان دهند. در پایان قرن دوم و آغاز قرن سوم، مباحث اعجاز قرآن به صورت استوارتر شکل گرفت که در نهایت به تدوین کتاب‌هایی در آن قرن منتهی شد.

ابو اسحاق، ابراهیم نظام معتزلی (م. ۲۲۰ ق) در اوائل قرن سوم به دنبال مباحث نظم قرآن، نظریه «صرفه» را مطرح ساخت و پس از او، شاگردش ابوعثمان عمرو بن بحر بن محبوب، مشهور به جاحظ (م. ۲۵۵ ق) نظریه استاد خود را رد کرد و کتاب «نظم القرآن» را نوشت (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۱۷). شیخ مفید نیز سخنی دارد که در آن نظریه صرفه نظام را پذیرفته و حتی نامبرده کتاب مستقلی نیز پیرامون اعجاز قرآن نگاشته است (شیخ مفید، بی تا، ص ۳۷)؛ اما متأسفانه این نوشته‌ها اکنون در دست نیست.

۱. برای نمونه: ر.ک. البقره: ۹۹ / ۲؛ آل عمران: ۱۰۸ / ۳.

۲. برای نمونه: ر.ک. الاعراف: ۷۳ / ۷.

۳. برای نمونه: ر.ک. الاعراف: ۱۰۷ / ۷؛ القصص: ۳۱ / ۲۸.

۴. برای نمونه: ر.ک. النساء: ۱۵۳ / ۴؛ هود: ۹۵ / ۱۱.

در قرن چهارم، بحث اعجاز قرآن، توسعه بیشتری یافت و احمد بن ابراهیم خطابی (م. ۳۸۸ ق) رساله‌ای کوچک با عنوان «بیان اعجاز القرآن» فراهم نمود و اعجاز قرآن کریم را در آن نمایان ساخت. می‌توان از این رساله، به عنوان قدیمی‌ترین اثر در این زمینه نام برد. در قرون بعد نیز تاکنون، علمای بزرگی مثل فخر رازی (م. ۶۰۶ ق)، زملکانی (م. ۶۵۱ ق)، سیوطی (م. ۹۱۱ ق) و علامه طباطبایی (م. ۱۴۰۵ ق) آثار و تألیف‌های ارزشمندی بر جای گذاشتند (همان، ص ۱۸). همان‌گونه که اشاره شد پیرامون اعجاز قرآن کریم، کتب فراوانی نگاشته شده و در آنها به اقتضای بحث، سخن از اعجاز قرآن از منظر شیخ مفید نیز به بیان آمده است، به عنوان مثال: «اعجاز قرآن» اثر سید رضا مؤدب، «ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست» تألیف مرتضی کریمی نیا، «شیخ مفید و اعجاز قرآن» از علوی مقدم، «اعجاز القرآن فی مذهب الشیعة الامامیة» اثر توفیق الفکیکی، «معجزه بزرگ» تألیف محمد ابوزهره و «التمهید فی علوم القرآن» از محمد هادی معرفت. در هر کدام از این آثار، به دیدگاه شیخ مفید درباره اعجاز نیز اشاره رفته است. همچنین در بعضی از کتب و مقالاتی که پیرامون صرفه نوشته شده، دیدگاه شیخ مفید بازتاب یافته است: «نگاهی به آراء موافق و مخالف نظریه صرفه» از ریحانه السادات هاشم آبادی، «بررسی نظریه صرفه در اعجاز قرآن» خامه یعقوب جعفری، «القول بالصرفه فی اعجاز القرآن» اثر عبدالرحمان بن معاضه. مروری بر این آثار نشان می‌دهد در اکثر این کتب و مقالات، به صورت موجز و گاه ناقص و حتی بعضاً متناقض از دیدگاه شیخ مفید سخن به میان آورده‌اند. باید گفت قبل از این پژوهش، کسی به جمع‌آوری تمام نظریات شیخ مفید در زمینه اعجاز و بررسی صحت و سقم آنها پرداخته است این پژوهش بر آن است تا دیدگاه‌های شیخ مفید در این زمینه به صورت جامع بیان شود و پیرامون صحت و سقم آنها داوری کند.

۲- تعریف معجزه

۲-۱- معجزه در لغت

«عجز» نقیض «حزم» (حزم = به معنای محکم بستن طناب) و به معنای ضعف و ناتوانی است (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۵/ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹۳). در مقایسه اللغه برای این کلمه دو اصل در نظر گرفته: یکی ضعف و ناتوانی و دیگری بن و پایان یک شیء، و هر دو اصل را صحیح دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۳۲) ولی مفردات اصل آن را بن و پایان یک شیء گفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۷).

رضا مؤدب در بیان مادهٔ عجز سخن مفردات را برگزیده و می‌گوید: به نظر می‌رسد انسان ناتوان نیز چون همواره در پایان و انتهای قافله وامی‌ماند، او را عاجز نامیده‌اند. از این رو در مفهوم عجز، ضعف و ناتوانی، جای گرفته، گرچه که ضعف و ناتوانی، جزء معنای اصلی عجز نبوده است. بدین جهت اعجاز در لغت به معنی به عجز درآوردن و ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل نمودن است و معجزه، آن فعلی است که دیگران از آوردن آن ناتوان هستند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۲). اما علامه مصطفوی اصل عجز را آنچه در مقابل قدرت است؛ یعنی همان ضعف و ناتوانی معنی می‌کند و برای عجز مراتبی قائل می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۸) با توجه به توضیحات فوق، دیدگاه رضا مؤدب دربارهٔ به شمار نیارودن معنای ناتوانی در اصل مادهٔ عجز، صحیح نمی‌نماید؛ لذا باید مثل مقایس اللغه دو اصل برای این کلمه در نظر گرفت، یا به مانند مصطفوی، اصل این ماده را ضعف و ناتوانی در نظر بگیریم؛ معنایی که مؤیدهای بیشتری در فرهنگ لغات دسته اول دارد.

۲-۲- تعریف اصطلاحی معجزه

آیت الله خوبی در تعریف معجزه می‌گوید: معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی مانند پیامبر می‌نماید، کاری را انجام بدهد که فراتر و برتر از قوانین طبیعت باشد، دیگران نیز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند - ضمن آنکه، آن کار گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد (خوئی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). شیخ مفید معتقد است دلیل نبوت پیامبر خاتم (ص)، قرآن است. وجه اعجاز قرآن، تحدی و مبارزه طلبی در برابر فصحا و بلغای عرب و عجم و ناتوانی آنان در آوردن مثل آن است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲). او در بیان اینکه چه دلیلی داریم که بشر نمی‌تواند مانند قرآن بیاورد می‌گوید: دلیلش این است که دشمنان به مبارزه با شمشیر روی آورده‌اند که این مبارزه و معارضه برایشان سخت‌تر از معارضه با کلام است [و اگر می‌توانستند، دست به شمشیر نمی‌شدند] (همان، ص ۴۲).

دانشمندان اسلام همگی بر معجزه بودن قرآن اتفاق نظر دارند و همان‌گونه که شیخ مفید بیان داشته، دلیلش تحدی قرآن و عجز بشر در مقابل تحدی است. اما قرآن با سایر معجزات پیامبران تفاوت فراوانی دارد؛ از آنجا که پیامبر اسلام (ص) پیامبر خاتم است و تا پایان دنیا، دیگر پیامبری بعد از وی نخواهد بود، ضروری دارد معجزه وی نیز جاودان باشد و تا آخر جهان معجزهٔ پیامبر نیز پا برجا باشد. از این رو، قرآن نازل شد تا از جنس کلام باشد تا هم جاودان بماند و هم همواره دستورات خدا و پیامبر در میان بشر موجود باشد تا با نبودن پیامبر، بشر راه خود را گم نکند.

این تفاوت ماهوی بین معجزه پیامبر و سایر معجزات پیامبران باعث شده که بحث راجع به چگونه معجزه بودن قرآن و این که چه چیز قرآن معجزه است، بالا بگیرد. هر یک از دانشمندان وجه خاصی را برای اعجاز قرآن برشمرده‌اند. بعضی خود قرآن را معجزه ندانسته‌اند؛ زیرا از جنس کلام بشر است و این که بشر نمی‌تواند مانند آن را بیاورد لطف خداست پس این لطف را معجزه دانسته‌اند. شیخ مفید نیز همچون دیگر دانشمندان وجوهی را برای اعجاز برمی‌شمرد که در اینجا به بیان آن می‌پردازیم.

۳- وجوه اعجاز قرآن کریم از منظر شیخ مفید

شیخ مفید وجوه مختلفی را برای اعجاز قرآن، در کتاب‌هایش ذکر کرده است. می‌توان این وجوه را در موارد ذیل مورد بررسی قرار داد:

۳-۱- صرفه

شیخ مفید در عبارتی، صرفه را به عنوان وجه اعجاز قرآن پذیرفته است؛ شیخ در کتاب اوائل المقالات تحت عنوان «گفتاری در چگونگی اعجاز قرآن» می‌فرماید: «اعجاز قرآن در صرفه است، یعنی خداوند پس از تحدی در مبارزه طلبی برای آوردن مانند قرآن، فصحا و بلغا را از آوردن به مانند آن عاجز نموده و آنها را گرچه می‌توانستند به مانند قرآن بیاورند، از آن کار بازداشت و از قدرت آنها کاست؛ از این جهت، قرآن و صرفه آن دلیلی بر نبوت است و این لطف خداوند، یعنی ممانعت از آوردن مانند قرآن تا روز قیامت، همچنان ادامه دارد و این از واضح‌ترین برهان‌ها و عجیب‌ترین مباحث در زمینه اعجاز قرآن است و این نظریه نظام است که اکثر علمای معتزله با آن، مخالفت نمودند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ج، ص ۳۴)

به نظر می‌رسد قول به صرفه از نخستین وجوه اعجاز قرآن باشد که دانشمندان اسلامی مطرح کرد و به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند. البته امروزه این نظریه در میان دانشمندان، اعتبار چندانی ندارد. این قول همان‌گونه که شیخ تصریح می‌کند، نخستین بار توسط نظام معتزلی مطرح شده و شیخ نیز آن را پذیرفته است. برای درک درست نظر شیخ مفید، لازم است ابتدا به بررسی صرفه بپردازیم.

۳-۱-۱- مفهوم‌شناسی صرفه

کلمه صرف در لغت به معنای بازگرداندن، تبدیل کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۸۲) و کاری را از صورتی به صورت دیگر برگرداندن است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۰۹). صرفی به معنای تبدیل پولی به پول دیگر نیز از این لغت مشتق شده است؛ زیرا در آن، نوعی تغییر و تبدل نهفته است (همان، ص ۱۰۹). در مورد کاربرد این لغت در قرآن کریم، گفته شده است: «صرف به معنای برگرداندن است؛ خواه برگرداندن مطلق باشد یا برگرداندن از حالی به حالی دیگر مانند: ﴿صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (توبه: ۹/ ۱۲۷) از این رو، زمانی که خداوند از تصرف در قلوب سخن می‌گوید به معنای ایجاد انقلاب و تغییر و بازگرداندن آنهاست (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، صص ۲۳۱-۲۳۲).

معتقدین به صرفه بر این باورند که خداوند مردم را از معارضه با قرآن بازداشته و از هم‌اوردی جلوگیری نموده است. اگرچه خداوند مردم را به معارضه و تحدی قرآن طلبیده و از آنها خواسته که اگر در حقانیت قرآن تردید دارند، به مانند تمام قرآن، یا ده سوره و یا یک سوره بیاورند؛ ولیکن چنین کاری از طرف مخالفین قرآن هرگز محقق نشده است زیرا خداوند آنها را از این کار بازداشته است (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). البته، در این که خداوند چگونه کسانی را که می‌خواستند به معارضه قرآن بپردازند، منصرف و آنها را از این کار منع نمود و در واقع، کیفیت صرفه چگونه بوده است بین صاحب‌نظران، تفاوت رأی فراوان دیده می‌شود (همان، ص ۱۵۱).

نظریه «اهل صرفه» ممکن است یکی از تفسیرهای سه گانه زیر را برتابد:

تفسیر اول: مقصود از صرفه این باشد که خداوند «داعی» و انگیزه کسانی را که درصدد مقابله برآیند، سلب می‌کند.

تفسیر دوم: مقصود آنان از صرفه این باشد که خداوند با قهر و قسر، آنان را از این معارضه بازداشته است، با آنکه توانایی لازم را دارند [مانند آنکه کسی دست فردی را که می‌خواهد چیزی را بردارد، گرفته و مانع او شود].

تفسیر سوم: مقصود آنان از صرفه این باشد که خداوند علومی را که برای آفریدن کلامی چون قرآن مورد نیاز است، از آنها سلب کرده است (معرفت، ۱۴۱۶، ج ۴، صص ۱۳۸-۱۳۹). البته وجه سوم خود، دارای دو احتمال است: یکی آنکه هرگز خداوند علوم لازم برای آفریدن کلامی چون قرآن را به اعراب و به غیر آنها نداده بود و تفسیر دوم آنکه مردم این علوم را داشته‌اند؛ اما پس از نزول قرآن، این علوم از آنها گرفته شد. به تعبیر دیگر، آنان دچار نسیان و جهالت بعد از ذکر و علم گردیدند.

۳-۱-۲- برداشت بایسته از نظریه صرفه

اگر منظور آنان از صرفه، قول اول باشد یعنی صرفه انگیزه، بطلان این معنا واضح و روشن است؛ زیرا می‌دانیم که در تاریخ، عده زیادی در مقام معارضه با قرآن برآمدند و در این راه نه تنها انصراف برای آنان حاصل نگردید، بلکه با تمام نیرو و قدرت، به این مرحله وارد شدند و مقداری نیز پیش رفتند؛ ولی چون قدرت مبارزه و معارضه را نداشتند، سرانجام به عجز و ناتوانی خود در برابر بلاغت قرآن اعتراف و اقرار نموده، عقب‌نشینی کردند (خویی، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

اما اگر منظور از صرفه، وجه دوم یعنی صرفه قدرت باشد، لازمه آن این خواهد بود که در میان گفتار سخن‌سرایان پیش از نزول قرآن، جملاتی یافت شود که هم‌تراز قرآن باشد. اگر چنین بود، مخالفان قرآن حتماً این گفته‌ها را زبان به زبان نقل می‌کردند و به رخ مسلمانان می‌کشیدند و چون چنین کلمات و جملاتی نقل نشده، بدین امر رهنمون می‌شویم که اعجاز مربوط به خود قرآن است و معارضه با قرآن برای بشر، امکان‌پذیر نیست (همان، ص ۸۳).

از سوی دیگر، قبول صرفه قدرت، باعث قبول نوعی جبر می‌شود که در کنار هم قرار دادن این جبر و تحدی خداوند، نوعی تضاد وجود دارد که دلالت بر ظلم نیز خواهد داشت. در نتیجه بطلان این دیدگاه نیز واضح است. بنابراین، باید منظور از صرفه، «صرفه علم» باشد. البته، دانشمندان ایرادهایی بر این وجه نیز گرفته‌اند؛ از جمله باید به این موارد اشاره داشت: (۱) نفی اعجاز متن؛ (۲) لغو بودن تحدی قرآن؛ (۳) ضرورت وجود همسان قرآن قبل از صرفه؛ (۴) جبرگرایی (مؤدب، ۱۳۹۰، صص ۱۵۴-۱۵۹). وجود اشکال‌هایی از این قبیل، سبب گشت تا در قرون بعد، این وجه از اعجاز با مخالفت دانشمندان روبرو شود. اما اینکه چرا شخصیت بزرگی همچون شیخ مفید به دیدگاه صرفه گرایید، محل بحث و نظر بوده است. برخی در مقام دفاع از شیخ برآمده، چنین نسبتی را به شیخ مفید بی‌اساس دانسته‌اند؛ اما بعضی دیگر، بر شیخ ایراد گرفته‌اند. اکنون در اینجا، به بیان موضع‌گیری‌ها و برداشت‌های گوناگون این مسأله می‌پردازیم.

۳-۱-۳- شیخ مفید و مسأله صرفه

۳-۱-۳-۱- عدم اعتقاد شیخ مفید به صرفه

عده‌ای صرفه را آشکارا باطل دانسته‌اند و به دفاع از شیخ مفید برخاسته و گفته‌اند شیخ مفید نیز قائل به صرفه نبوده است. توفیق الفکیکی بغدادی می‌گوید: بعید است که شیخ مفید با آن عظمتش قائل به صرفه باشد، خصوصاً این که این نظر مخالف مبانی شیعه است و شیخ نیز در رأس دانشمندان شیعه است (توفیق الفکیکی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۱). وی در ادامه چنین بسط می‌دهد

که شیخ مفید به قدرت در جدل، معروف بوده و در فنون مناظره، تبحر خاصی داشته است و مانند سقراط، مسائل علمی را با شاگردانش به بحث می گذاشته است. لابد از جمله این مسائل، دیدگاه‌های معتزله همچون نظریه صرفه بوده است و احتمالاً مناقشه‌ها پیرامون آن، باعث شده در ذهن برخی چنین القا گردد که شیخ مفید نیز چنین دیدگاهی داشته است (همان، ص ۳۰۱). در مورد این سخن باید گفت گرچه شاید این گفته توفیق الفکیکی درست باشد؛ ولیکن چون ملاک ما نوشته‌های به یادگار مانده از شیخ مفید مانند تصریح به پذیرش صرفه در اوائل المقالات است، نمی‌توان بر اساس حدس و فرضیاتی از قبیل آنچه گذشت، قضاوت کنیم و قول به صرفه را از ایشان منتفی بدانیم.

۳-۱-۳-۲- بازگشت شیخ مفید از باور به صرفه

گفته آمد که شیخ مفید اعجاز قرآن را در اموری همچون فصاحت و بلاغت، نظم و اخبار غیبی نیز می‌داند؛ به عبارت دیگر، به اعجاز درونی قرآن معتقد است. از طرفی، قول به صرفه ناظر بر اعجازی بیرون از متن قرآن است و این، با اعجاز درونی منافات دارد. پس، یا شیخ مفید دچار تناقض گویی شده است یا از قول به صرفه بازگشته است. این برگشت از صرفه از کلام خود شیخ مفید نیز برداشت می‌شود. هنگامی که شخصی از شیخ سؤال می‌کند که باور به صرفه ظلم است، شیخ مفید به گونه‌ای جواب می‌دهد که گویی صرفه را قبول ندارد: «از شیخ مفید سؤال شد: ثابت شده است خداوند عادل است که ظلم نمی‌کند و او شخص را مکلف نمی‌کند مگر به اندازه توانش و او عالم است به این که عرب مانند قرآن را نمی‌آورد و بر آن قادر نیست؛ پس، چرا مکلف کرده که ده سوره مانند آن را یا یک سوره مثل آن را بیاورند و سؤال به این گونه نیز قابل طرح است که اگر قادر بر این کار بودند ولی برایشان، آوردن آن ممنوع شده، پس در هر دو صورت، سؤال یکی است و ظلم است. شیخ در جواب می‌گوید: «گفته خدای تعالی که «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید» (هود: ۱۱/۱۳)، امر و الزام و ندبه و ترغیب به آنها نیست، بلکه تحدی و تعجیزی است. آیا نمی‌نگری به قول خداوند تعالی: «یا می‌گویند: این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو: اگر راست می‌گویید، ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید» (هود: ۱۱/۱۳). خداوند تعالی می‌خواهد با آن بگوید اگر قرآن از کلام بشر بود، ساختن آن برای غیر او از بشر مقدور بود؛ پس خودتان را امتحان کنید و هنگامی که از ساختن آن عاجز شدید، پس بطلان ادعایتان - اینکه محمد (ص) قرآن را ساخته دانستید و هر کس فرق بین تحدی و تقریر و تعجیز و امر و تکلیف و الزام را نمی‌فهمد،

باید او را در شمار چهارپایانی که عقل‌هایشان در آفات غرق شده دانست و این چنین است قول خداوند: «پس بیاورید سوره‌ای مانند آن» (بقره: ۲۳/۲) که یک امر و الزام نیست؛ بلکه تحدی و تعجیز است؛ مگر قول خدا را نمی‌بینی: «و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا- برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید پس اگر چنین نکنید که هرگز نخواهید کرد...» (بقره: ۲۳/۲-۲۴) پس خداوند تحدی کرده و با این تحدی، عجزشان آشکار شده و از آن، عاجزند و برایشان هرگز فراهم نخواهد شد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۹۲).

گفتیم که از اشکالات صرفه جبرگرایی و نداشتن اعجاز ذاتی قرآن است؛ اما شیخ با گفتن اینکه آزادند بیاورند، ولی نمی‌توانند، اشاره می‌کند که جن و انس آزادند مانند قرآن را بیاورند و کسی آنها را منصرف نکرده است؛ اما از آنجا که قرآن در سطح بالایی است و اعجاز ذاتی دارد و آنها توان آوردن مانند قرآن را ندارند و این نکته در مثالی که می‌زند کاملاً واضح است. شیخ مفید در ادامه، این تحدی را با پاسخی مقایسه می‌کند که یک نویسنده زبردست به نویسنده تازه کار مغروری می‌دهد که مدعی برابری با اوست. به او می‌گوید اگر راست می‌گویی من متنی را می‌نویسم و تو اگر می‌توانی بهتر از آن بنویس یا پاسخ شاعری به هر مدعی شعری که دم از برابری در شاعری با او می‌زند که من شعری می‌سرایم و تو اگر می‌توانی، بهتر از آن بنویس و هنگامی که نتوانست، بطلان سخنشان آشکار می‌گردد (همان، ص ۹۳).

مارتین مکدرموت^۱ نیز از جواب فوق، چنین برداشتی کرده و می‌نویسد: «مفید، هنگام جواب گفتن به این اعتراض، آموزه نظام را رها نموده و چنان استدلال کرده است که فصاحت خدا از حد توانایی بشر بیرون است» (مکدرموت، ۱۳۷۲، ص ۱۲۰). البته، باید گفت فرض فوق بر این پایه استوار است که اندیشه صرفه با اعجاز درونی قرآن در تضاد است.

۳-۱-۳- بازگشت از اعجاز درونی قرآن

حالت دیگری که می‌توان فرض کرد، این است که شیخ مفید از اعجاز ذاتی قرآن دست برداشته و به صرفه معتقد شده است. شاید مؤید این فرض، آن باشد که قول به صرفه را شیخ

در کتاب اوائل المقالات بیان کرده که در اواخر عمر ایشان نوشته شده است.^۱ در بررسی این احتمال باید گفت این فرضیه، بسیار بعید می‌نماید؛ نخست آنکه این اشکال که چگونه مفید، صرفه را با ایراداتی کلامی پیش گفته قبول کرده است، پابرجا می‌ماند؛ دوم اینکه وقتی شیخ مفید، وجوه گوناگون را بیان کرده، اگر از آن برگشته بود، حتماً آنقدر بحث‌آفرین می‌شد که این بحث‌ها در کتب گوناگون بازتاب یابد خصوصاً بازگشت از این دیدگاه که فصاحت و بلاغت قرآن معجزه است؛ سوم اینکه شیخ در همان زمان قبول صرفه، به اعجاز نظم قرآن نیز اشاره کرده است؛ چهارم اینکه همان‌گونه که در جواب سؤال فوق گفتیم، شیخ مفید ابتدا باید صرفه را قبول داشته باشد تا از وی سؤال شده باشد که صرفه ظلم است و آنگاه در مقام جواب برآید.

۳-۱-۳-۴- پذیرش همزمان قول به صرفه و اعجاز ذاتی

پیش از این بیان شد که یکی از اشکالاتی که بر صرفه می‌گیرند این است که صرفه، با اعجاز درونی قرآن تنافی دارد و از این رو دانشمندان از این نظر برگشته‌اند. همین مطلب باعث شده که این مواضع گوناگون در مورد نظرات شیخ اتخاذ شود؛ ولیکن در اینجا با بیان دلایلی، این قول را که شیخ مفید هم صرفه را قبول داشته و هم به اعجاز درونی باور داشته، می‌پردازیم. نخست نوع صرفه‌ای که شیخ مفید قبول داشته را می‌کاویم تا بسنجیم آیا این نوع از صرفه با اعجاز درونی قرآن کریم مخالفت دارد یا خیر.

گفته آمد که شیخ مفید صرفه به علم را قبول دارد و نیز بیان شد که صرفه به علم دوگونه است: یکی آن که هرگز خداوند بزرگ، علوم لازم برای آفریدن کلامی چون قرآن را به اعراب و به غیر آنها نداده و دیگر آن که این علوم را به بشر ارزانی داشته است؛ ولیکن بعداً برای هم‌آوردی نکردن با قرآن، این علوم را از آنها گرفته است. ما برآنیم که شیخ مفید صرفه به علم را قبول داشته، با این بیان که خداوند هرگز این علوم را به بشر نداده است. نسبت دادن صرفه علم به شیخ مفید را علمای گوناگون مانند ابوصلاح تقی‌الدین حلبی و آیت الله معرفت نیز برگزیده‌اند (ر.ک. معرفت، ۱۴۳۰، ج ۲، صص ۸۳-۸۴). معنی این صرفه را ابوصلاح - که شاگرد شیخ مرتضی از سردمداران این نظریه است - این‌گونه بیان می‌کند: «معنی صرفه این است که از عرب، علوم

۱. فضل الله زنجانی در مقدمه خود بر چاپ دوم کتاب می‌نویسد: «مؤلف سال تألیف کتاب را ذکر نکرده است؛ لکن از آنجا که کتاب را به توصیه سید شریف نقیب نوشته که به نظر ما مراد سید رضی است و از سوی، نقابت و رهبری سید رضی از سال ۳۹۶ ق - ۴۰۶ ق - بوده است، تألیف کتاب نیز باید طی این ده سال باشد» (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ص ۲۴۳).

که به آن در هم‌وردی قرآن محتاج‌اند سلب شده است؛ از جمله در ایجاز لفظ و ظرافت، در آنچه به حوزه معنا مرتبط است. عرب از کجا می‌تواند این چنین معنایی بیاورد ولو اینکه فرض شود بشر به راحتی، بر ساختن جملاتی مانند آن توانمند است؟! (همان، ص ۸۴).

وی همچنین سلب را به معنای اعطا نکردن دانسته و به آیه زیر استناد جسته است: «بزودی، کسانی را که در زمین، بنا حق تکبر می‌ورزند، از آیاتم روی‌گردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند بدان، ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند. این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلت ورزیدند» (اعراف: ۷/ ۱۴۶). سپس می‌گوید: پس معانی با شکوهش فراوان شد و معارف جلیلیش در آغوش قرآن، ازدحام پیدا کرد؛ به وسیله آن، عقول را شگفت زده کرد و از خردمندان، پیشی گرفت. اینگونه قدرت معارضه را سلب کرد و مجالی را برای فکر کردن برای مقابله آن را برای هیچ مرد تیزهوش معاندی نگذاشت (همان، ص ۸۴).

با این تفسیر از صرفه، دیگر تراحمی بین صرفه و اعجاز درونی قرآن پیش نمی‌آید و بر این نوع صرفه، اشکالی وارد نیست. به بیان دیگر، می‌توان چنین انگاشت که شیخ مفید قائل به این است که قرآن، معجزه جاودان است و دارای اعجاز درونی است؛ نیز خداوند، منکران حقانیت قرآن را به تحدی فراخوانده است و کسی یارای آن نیست که مانند قرآن بیاورد؛ زیرا هم‌وردی با قرآن، علوم فراوانی همچون علوم غیبی نیاز دارد. برای نمونه، در قرآن بارها از آینده خبر داده شد و چون خداوند علومی نظیر این را به بشر اعطا نکرده، این هم‌وردی با قرآن هرگز به نتیجه نخواهد رسید. این بیان از صرفه نه ایجاد جبر می‌کند - همان‌گونه که شیخ مفید در پاسخ به پرسش فوق ارائه کرد - و نه با اعجاز درونی قرآن در تراحم است.

آیت الله خوئی نیز این نوع صرفه را درست می‌داند و می‌گوید که این سخن شامل تمام معجزات پیامبران نیز می‌شود: «اگر منظور آنان از صرفه این باشد که خداوند می‌تواند به افراد بشر توانایی بدهد که مانند قرآن را بیاورند، ولی خداوند این توانایی را به هیچ کس نداده است، مطلبی است درست؛ ولی صرفه در این صورت، اختصاص به قرآن ندارد و در تمام معجزات پیامبران جاری می‌باشد» (خوئی، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

۳-۱-۳-۵- شیخ مفید و عیوب قول به صرفه او

ممکن است این تصور پیش آید که با این تحلیل از صرفه، اشکالاتی بر سخنان شیخ مفید مترتب می‌شود که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

اشکال اول: شیخ مفید ادعا کرده که بشر توانایی آوردن مانند قرآن را دارد، ولی صرفه، مانع از هم‌آوردی شده است، در حالیکه این، ادعایی بدون دلیلی است. نخست باید ثابت شود که بشر چنین قدرتی را دارد، در حالی که خود آنان اظهار ناتوانی کرده‌اند. پس نباید قدرتی را که خودشان به نداشتن آن اعتراف می‌کنند، به آنها نسبت داد (ابوزهره، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

جواب اشکال: با بیان معنای صرفه در بالا، این اشکال اینگونه بر طرف می‌شود که شیخ مفید قائل به این نبوده که بشر، امروزه توانایی آوردن مانند قرآن را دارد و در جواب سؤال که خداوند ظالم نیست، این را به روشنی بیان می‌دارد که بشر نمی‌تواند مانند قرآن بیاورد. این سخن شیخ مفید مبنی بر اینکه به بشر، علوم مورد نیازش برای هم‌آوردی قرآن داده نشده، مفهومش آن است که چون این علوم به بشر داده نشده، توانایی آوردن مانند قرآن را ندارد. به عبارت دیگر، این جمله شیخ «ان كان على مقدورهم» منوط به برداشته شدن صرفه است؛ یعنی اگر این علوم در اختیار بشر قرار گیرد، می‌تواند مانند قرآن بیاورد.

اشکال دوم: شیخ مفید در ضمن قبول صرفه، بیان کرده که این دیدگاه، مذهب نظام است. از طرفی نظام، صرفه به انگیزه را مطرح نموده است. بنابراین، باید صرفه مورد نظر شیخ مفید نیز صرفه انگیزه باشد که البته این نوع صرفه، غیر قابل قبول است.

جواب اشکال: اول اینکه گفته شود صرفه نظام، صرفه انگیزه است، صرف ادعاست و امری قطعی نیست. در مورد این فرض، باید گفت: «ما بر نوشته‌هایی از نظام به تفصیل پیرامون صرفه، جز قطعاتی کوتاه و پراکنده دست نیافتیم» (معرفت، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۷۹) و افرادی چون عبدالواحد زملکانی صرفه علم را به وی نسبت می‌دهند. هر چند همانگونه که در سؤال آمده، عده‌ای صرف انگیزه را نیز به نظام نسبت داده‌اند. دوم آنکه چنانچه نظام، صرفه انگیزه را قبول داشته باشد، ضرورتاً نمی‌توان گفت مفید نیز به همان باور داشته است؛ چنانکه سید مرتضی نیز تنها صرفه علم را پذیرفته بود. پس تباینی میان این مطلب که شیخ مفید، نظریه صرفه را به نظام نسبت دهد و خود نوعی دیگر از صرفه را قبول کند، نیست. سوم آنکه دلایلی را در بالا آوردیم که به موجب شیخ مفید صرفه را به علم می‌دانسته و این مطلب را توضیح دادیم.

۲-۳- اعجاز در نظم مخصوص قرآن

نظم، کنار هم چیدن، به رشته کشیدن و پی در پی آوردن پدیده، موضوع یا مطلب و سخن است. به تعبیر دیگر ایجاد ارتباط، چیزی را به چیز دیگر قرین ساختن، ضمیمه کردن موضوعی در موضوع دیگر و در مسیر هماهنگ قرار دادن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۷۸).

ارتباط تنگاتنگ اجزاء، سوره‌ها، آیات و حتی کلمات قرآن کریم به عنوان یک مجموعه واحد، منسجم و هدف‌دار از قرون گذشته، مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است. محمد هادی معرفت در این باره نوشته است: «عامل مهم جذابیّت قرآن در سبک، نظم و آهنگ آن است؛ این سه عامل، سنگ بنیادین ساختار سحرانگیز قرآن را تشکیل می‌دهد» (معرفت، ۱۳۶۸، ص ۶۴). شیخ طوسی نیز ذیل آیه ۲۳ از سوره بقره، با آوردن قول ابن عباس، تحدی به آوردن مثل قرآن را در بعد نظم، فصاحت و حسن توصیف آیات می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۴). شیخ مفید نیز نظم قرآن را معجزه دانسته و می‌گوید: وجه اعجاز قرآن، تحدی و مبارزه‌طلبی در برابر فصحا و بلغای عرب و عجم و ناتوانی آنان در آوردن مثل نظم آن است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲). چنانکه دیدیم، شیخ تصریح می‌کند وجه اعجاز قرآن در این است که فصیحان و بلیغان نمی‌توانند مانند نظم قرآن بیاورند.

۳-۳- اخبار غیبی، از وجوه اعجاز قرآن

شیخ مفید در کتاب ارزشمند خود، «الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد»، در پی اثبات ولایت حضرت علی (ع) برآمده و می‌گوید: از جمله آیات باهره که دلالت بر امامت علی (ع) و وجوب فرمان‌برداری از او دارد و حجّیت او را ثابت می‌کند، اموری است که ما آنها را به نام معجزه نام برده و می‌گوییم باید از شخص پیغمبر ظهور پیدا کند تا صدق و راستی آنها به مرحله ثبوت رسد. از آن جمله علی (ع) از مغیبات و پیش‌آمدهای آینده، اخبار می‌کرد و هر چه می‌گفت در موقع خودش بدون کم و کاست به وقوع می‌پیوست و معلوم می‌شد آن حضرت آنچه فرموده راست و درست بوده است و چنانکه می‌دانیم اخبار از اینگونه امور از بزرگترین معجزات پیامبران است (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ص ۳۰۴).

شیخ در ادامه، اینگونه اخبار را از بزرگترین معجزات رسول خدا (ص) می‌شمرد و به آوردن نمونه‌هایی از اخبار غیبی قرآن می‌پردازد؛ از جمله آیاتی که بدانها اشاره داشته، از این قرار است: پیش‌آمد کارزار روم و چیرگی آنان (روم: ۳۰ / ۱-۳)؛ پیش‌بینی ورود به مسجد الحرام به مسلمانان (فتح: ۲۷ / ۴۸) و پیروزی آنها (نصر: ۱۱۰ / ۱-۲). شیخ مفید در پایان، از این قبیل اخبار غیبی را در قرآن چنان گسترده می‌داند که معتقد است اگر همه آنها را بیان کند، کتابش مطول خواهد شد (همان، ص ۳۰۵). بنابراین شیخ مفید اخبار غیبی را معجزه می‌داند و قرآن را نیز سرشار از این معجزات می‌داند.

۳-۴- اعجاز در سطح فصاحت و بلاغت قرآن کریم

قطب‌الدین راوندی در کتاب «الخرائج و الجرائح»، در بحث مستقلى پیرامون اعجاز قرآن می‌گوید: وجه دوم در اعجاز، نظریه شیخ مفید است که معتقد است اعجاز مربوط به فصاحت و بلاغت خارق‌العاده قرآن است؛ زیرا فصاحت محدود و محصور است و مازاد بر آن، معجزه و خارق‌عادت خواهد بود (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۸۱). محمدباقر مجلسی نیز همین سخن و این وجه اعجاز بودن فصاحت و بلاغت قرآن کریم را به شیخ مفید نسبت می‌دهد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۱۲۷). باید یادآور شد جمله‌ای که مجلسی و قطب‌الدین راوندی از شیخ مفید نقل می‌کنند، در آثار موجود وی به چشم نمی‌آید. این مطلب و مقبول بودن نظریه صرفه نزد شیخ مفید و اعتقاد دانشمندان بر تنافی میان صرفه و اعجاز درونی، بعضی را بر آن داشته تا بدین قول گرایش پیدا کنند که شیخ مفید، فصاحت و بلاغت را معجزه نمی‌دانسته است. اما ما پیش از این گفتیم که میان قول به صرفه شیخ مفید و قبول وجه فصاحت و بلاغت، تنافی و تنافری وجود ندارد تا مجبور شویم دست به رد کردن یکی از این وجوه بزنیم. اما اینکه آیا سخن مجلسی و راوندی را می‌توان به شیخ مفید نسبت داد یا خیر، مطلبی است که در اینجا با ذکر دلایلی اثبات می‌کنیم صحّت دارد و این نظریه مورد قبول شیخ مفید بوده است.

نخست آنکه قطب‌الدین راوندی و محمدباقر مجلسی، شخصیت‌هایی برجسته و دقیق بوده‌اند و سخنی را بدون مدرک و دلیل نمی‌گفته‌اند. دلیل دوم آنکه شیخ مفید کتبی نگاشته که امروزه در دسترس ما نیست. این مطلب، دلیل بالا را تقویت می‌کند که به احتمال قوی، منبعی در اختیار مجلسی و قطب‌الدین بوده که امروزه در اختیار ما نیست. این مطلب زمانی محتمل‌تر می‌شود که بدانیم، شیخ مفید کتبی پیرامون علوم قرآن داشته و مستقلاً کتابی در وجوه اعجاز قرآن نگاشته است. سومین دلیل که شاید مهم‌ترین دستاویز مورد استناد ما در ثابت نمودن این مطلب باشد آنکه شیخ مفید، فصاحت و بلاغت قرآن را معجزه می‌دانسته و این در سخنان خود شیخ به ثبت آمده است.

شیخ مفید در اوائل المقالات، در باب ایجاد زیاده یا نقصان در قرآن کریم می‌نویسد: «وجود نقصان در قرآن مورد بحث است. ولی ایجاد زیادت در قرآن، از وجهی باطل بودنش قطعی است و از وجهی دیگر، صحّت آن جایز است؛ پس وجهی که بر فسادهش قطعیت دارم، امکان زیاد کردن یک سوره در قرآن است تا بدانجا که نزد برخی از فصحا مشتبّه شود که سوره افزوده، بخشی از قرآن است؛ و اما وجهی که جایز است، اینکه یک یا چند کلمه و یا یک حرف یا چند

حرف و آنچه مشابه آن است، اضافه شود به حدی که به میزان اعجاز (یک سوره) نرسد و نزد اکثر فصحا مشتبّه شود که قطعات افزوده، بخشی از قرآن است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ج، ص ۸۱). در این استدلال، شیخ مفید وجود زیادت در قرآن را به دو قسم، تقسیم می‌کند: زیاده به اندازه یک سوره و زیاده کمتر از یک سوره. شیخ مفید در ادامه بحث، زیاده به اندازه یک سوره در قرآن را نزد فصحا باطل می‌داند؛ زیرا فصاحت قرآن زیاد است و هر فصیحی فرق آن را با غیر قرآن می‌شناسد و وجود زیاده کمتر از یک سوره، مثلاً چند کلمه را امکان‌پذیر می‌داند - چون فصحا راهی برای شناخت غیر قرآنی بودن آن ندارند. به عبارت دیگر، شیخ مفید فصاحت قرآن را معجزه می‌داند و می‌گوید: هیچ فردی نمی‌تواند سوره‌ای را به قرآن اضافه نماید؛ زیرا فصحا به راحتی آن را شناسایی می‌کنند. این سخن بدان معناست که چون فصاحت و بلاغت قرآن در حدّ بالا و معجزه است، بشر هر قدر سعی کند، نمی‌تواند مانند آن را پدید آورد. این جمله آشکارا، گفتار راوندی و مجلسی مبنی بر اعجاز ادبی در باور شیخ مفید را تقویت می‌کند.

شبهه این استدلال را در گفتار دیگر شیخ مفید نیز می‌توان مشاهده کرد؛ آنجا که می‌گوید: وجه اعجاز قرآن، تحدی و مبارزه طلبی در برابر فصحا و بلغای عرب و عجم و ناتوانی آنان در آوردن مثل آن است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ب، ص ۴۲) که در اینجا از منظر شیخ مفید، مخاطب اصلی قرآن - خصوصاً در صدر اسلام که عرب به شعر و شاعری و فصیح و بلیغ بودن شهره بوده - در مبارزه طلبی و تحدی کردن، فصحاء و بلغاء بوده‌اند؛ زیرا فصاحت قرآن معجزه است و فصیحان این را خوب می‌دانند. لذا قرآن آنها را به تحدی خوانده تا اینکه هنگامی که نتوانستند سخن فصیحی در حدّ قرآن بگویند، پی به اعجاز آن ببرند.

از مجموع سه دلیل گفته شده در بالا و به خصوص با تأکید بر دلیل سوم، می‌توان نتیجه گرفت که شیخ مفید نیز مانند بسیاری از علما و دانشمندان دیگر، فصاحت و بلاغت قرآن را معجزه می‌دانسته و فصاحت و بلاغت قرآن را یکی از وجوه مهم اعجاز در صدر اسلام می‌شمرده که برای همگان شناخته شده بوده و به اعتقاد او، این وجه اعجاز باعث شده که کسی نتواند کلامی را در قرآن بگنجاند که از جنس کلام وحی نبوده است.

۳-۵- باور به وجوه دیگری از اعجاز قرآن

امروزه اکثر دانشمندان همچون علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۵۹-۶۰) و آیت الله خوئی (خوئی، ۱۳۹۵، ص ۴۵) اعجاز قرآن را در وجوه گسترده و فراوان دانسته و آن را به وجه خاصی منحصر نمی‌سازند. علامه مجلسی در بحارالانوار این نظر را به شیخ مفید نیز نسبت

می‌دهد و قائل به آن است که شیخ مفید وجوه اعجاز قرآن را بسیار گسترده دانسته و اعجاز را به وجه خاصی منحصر نمی‌ساخت: «اعجاز قرآن در نظر جمهور علما از عامه و خاصه و از جمله آنها شیخ مفید، مربوط به فصاحت و بلاغت حدّ اعلی در قرآن و همچنین برخورداری آن از اخبار غیب، مطالب دقیق علمی، و احوال مبدأ و معاد و مکارم اخلاق و هدایت به فنون حکمت علمی و عملی و مصالح دینی و دنیایی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۲۴).

آنچه در این نوشته ادعا شده، به نظر سخن دور از ذهن نمی‌آید. دو دلیل از سه دلیل را که در بالا برای اثبات اعتقاد به اعجاز فصاحت و بلاغت از منظر شیخ مفید اقامه کردیم می‌توان برای این قول نیز آورد: دلیل اول، شخصیت بزرگ و اهل تحقیق علامه مجلسی؛ دلیل دوم در دسترس نبودن بعضی از کتب شیخ مفید خصوصاً کتاب وجوه اعجاز قرآن ایشان. این دو دلیل، قول علامه را تقویت می‌نماید؛ اما باید اذعان نماییم که اثبات این وجوه برای شیخ مفید با کتبی که امروز در اختیار ما هستند، دشوار است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم، معجزه بزرگ و جاودان پیامبر اسلام (ص) است که از همان ابتدای نزول آن تاکنون، مورد توجه دانشمندان و علما واقع شده است. اینکه قرآن، معجزه است مورد اتفاق نظر همه دانشمندان اسلام بوده ولیکن جهت اعجاز آن مورد اختلاف نظر واقع شده، هر یک از دانشمندان وجهی از وجوه اعجاز قرآن را نامبرده‌اند. در این میان شیخ مفید وجوهی همچون صرفه، فصاحت و بلاغت، نظم قرآن و اشتغال آن بر اخبار غیبی را برای اعجاز قرآن برمی‌شمارد. باور به صرفه، برخی را بر آن داشت تا وجه اعجازی مورد قبول شیخ مفید در اعجاز قرآن را تنها در همین عامل بجویند و آن را در تضاد با دیگر وجوه برشمرند. اما در این مقاله نشان داده شده که می‌تواند صرفه مورد قبول شیخ مفید، صرفه به علم بوده باشد؛ به این معنا که خداوند، علوم مورد نیاز بشر برای معارضه و هم‌وردی با قرآن را در اختیار بشر قرار نداده است. این نوع از صرفه، هیچ تضادی با اعجاز درونی قرآن ندارد. همچنین به اثبات آمد که شیخ مفید همچون دیدگاه غالب نزد علما، فصاحت و بلاغت قرآن کریم را معجزه می‌داند. افزون بر این، شیخ مفید نظم مخصوص قرآن و همچنین اشتغال قرآن کریم بر اخبار غیبی را از وجوه دیگر اعجاز قرآن کریم برشمرده است. از همین روست که برخی همچون محمد باقر مجلسی بر این باورند که شیخ مفید، اعجاز قرآن را در وجه خاصی منحصر نمی‌دانسته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۱. ابن فارس، أحمد؛ معجم المقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۳، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
 ۳. ابوزهره، محمد؛ معجزه بزرگ: پژوهشی در علوم قرآنی؛ ترجمه: محمود ذبیحی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹ ش.
 ۴. توفیق الفکیکی؛ «اعجاز القرآن فی مذهب الشیعه الامامیه»؛ رساله الاسلام، شماره ۳، ۱۳۷۰ ش.
 ۵. خلیل بن أحمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
 ۶. خوئی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار الزهراء للطباعة، ۱۳۹۵ ق.
 ۷. راغب أصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
 ۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 ۹. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ۱۰. قرشی بنایی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله؛ الخرائج و الجرائح؛ قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
 ۱۲. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
 ۱۳. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
 ۱۴. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: مؤسسه النشر السلامی، ۱۴۱۶ ق.
 ۱۵. —؛ تلخیص التمهید؛ قم: مؤسسه النشر السلامی، ۱۴۳۰ ق.
 ۱۶. —؛ «نقش آهنگ در تلاوت قرآن»؛ کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ۱۳۶۸ ش.
 ۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ المسائل العکبریة؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق «الف».
 ۱۸. —؛ النکت فی مقدمات الاصول من علم الکلام؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق «ب».
 ۱۹. —؛ أوائل المقالات؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق «ج».
 ۲۰. —؛ المسائل العکبریة؛ به کوشش فضل الله زنجانی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
 ۲۱. —؛ ترجمه ارشاد؛ ترجمه: محمد باقر ساعدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
 ۲۲. —؛ ترجمه ارشاد؛ ترجمه: رسولی محلاتی؛ تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
 ۲۳. مکدرموت، مارتین؛ اندیشه های کلامی شیخ مفید؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
 ۲۴. مؤدب، سید رضا؛ اعجاز قرآن؛ ج ۲، قم: مرکز المصطفی، ۱۳۹۰.

